

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ اگست ۲۰۲۱

دفاع از "غنی احمدزی" نیست؛ بیان ماهیت حاکمیت مستعمراتی است!

یکشنبه- ۱۷ اسد ۱۴۰۰ - کابل: با در نظر داشت جو تبلیغاتی سنگینی که علیه "غنی احمدزی"، "حمد الله محب" و بقیه باند ارگ به وجود آمده و کوشش می شود تا تمام ناکامی ها را بر گردن نحیف "غنی احمدزی" و ریش "محب" که همه روزه دراز تر شده می رود، بیندازند، یادداشت امروز را نخست با آوردن حکایتی از "گلستان سعدی" آغاز می نمایم:

«یکی از شعراء پیش امیر دزدان رفت و ثنائی بر او بگفت. فرمود تا جامه از او بر کنند و از ده به در کنند. مسکین برهنه به سرما همی رفت. سگان در قفای وی افتادند. خواست تا سنگی بر دارد و سگان را دفع کند، در زمین یخ گرفته بود، عاجز شد. گفت: این چه حرامزاده مردمانند، سگ را گشاده اند و سنگ را بسته! امیر از غره بدید و بشنید و بخندید. گفت: ای حکیم! از من چیزی بخواه. گفت: جامه خود می خواهم اگر انعام فرمائی.

رضینا من نوالک بالرحیل.

امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسا

سالار دزدان را بر او رحمت آمد و جامه باز فرمود و قبا پوستینی بر او مزید کرد و درمی چند.

هموطنان گرامی!

مشکلی را که اکنون ما در کل یعنی مردم افغانستان با آن مواجه هستیم، همان مشکلی است که شاعر طماع با آن مواجه بود. شاعر به امید خلعت و مقامی - بخوانید توهمات که تعدادی از روشنفکران پشت کرده به مردم و خاین در آغاز تجاوز وحشیانه امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان نشخوار نموده امید کاذب "دوبی ساختن کابل" را تبلیغ می نمودند- نزد امیر دزدان که در شرایط کنونی در سراسر جهان هیچ دزدی به مانند امپریالیسم امریکا با چنین جسارت، دیده درائی و قساوت عمل نکرده و نمی کند، مراجعه و افسار گردن شان را به دست آن دزد نابکار و جنایتکار بیرحم سپردند. وی هم بعد از مدتی بازی با آنها، اینک "سنگ" یعنی همان دولت دست نشانده و در رأس آن "غنی احمدزی" را امر به سازش، تبنای و مذاکره نموده، "سگ هایش" یعنی "طالب" را رها نموده، تا ملت گرسنه، زخمی و پای برهنه ما را با تحمیل شکنجه و ادار به تابعیت از خود بسازد.

هموطنان گرامی!

این نگاشته را اساساً چند روز قبل می خواستم بنگارم، یعنی زمانی که وزیر دفاع امپریالیسم امریکا حین مسافرتش به افغانستان بعد از مشاهده خیزش های مردمی علیه طالب و احساس خطر ناکامی ستراتیژی تجاوز کارانه شان علیه آسیای میانه، رسماً "غنی احمدزی" را مخاطب قرار داده اعلام داشت: "فعلاً دولت افغانستان باید بکوشد تا شهرها را حفظ نماید"

این تذکر در واقعیت امر تعیین ستراتیژی و خط حرکی آینده دولت دست نشانده و یا همان بستن سنگ بود. وزیر دفاع امریکا رسماً و علناً به دولت دست نشانده و از طریق آن به خیزش های مردمی امر نمود که به فکر بازستاندن ولسوالی ها و راندن طالب نباشند، بلکه باید خود را در سنگر ها متمرکز سازند، تا طالب با تمرکز نیروی برتر یکایک آنها را فتح و نابود نماید.

هموطنان گرامی!

با شناختی که از ماهیت یک دولت دست نشانده و یک اردوی مزدور و وابسته به امپریالیسم داریم، تنها گناه "غنی احمدزی" و بقیه زمامداران کنونی افغانستان، نوکر بودن و غلام بودن در بارگاه امپریالیسم است. اینها با خیانت به منافع ملی کشور ما، قلاده بردگی امپریالیسم را بر گردن انداخته و صلاحیت انجام هیچ عملی را مستقلانه ندارند.

از همین رو به جای این که بیائیم یک روز "غنی احمدزی" را ملامت کنیم و روز دیگر "محب و یا فضلی و یا کتوازی و یا عبدالله و یا دوستم و یا ..."، بادار و صاحب آنها را نشانه گرفته، باعث اصلی تمام مصایب درکشور ما یعنی امپریالیسم امریکا و شرکاء و سیستم سارت آور امپریالیستی را دشمن خویش اعلام بداریم.

در مناسباتی که "حرامزاده مردمان" سنگ را بسته و سگ ها را رها کرده اند، بدون داشتن کدام امیدی به سنگ، خود مستقلانه و از طریق ایجاد کمیته های دفاع از خود مستقل، نه تنها علیه سگهای رها شده و هار برزمیم بلکه "حرامزاده مردمانی" را که چنین وضعی را بار آورده اند، از میهن خویش برانیم. این یگانه راه نجات ماست ورنه، نه سنگ ها باز می شوند و نه سگ ها بسته خواهند شد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!